

همایش جهانی اربعین

محمد السند^۱

ترجمه: محمدعلی خوشنویس

چکیده:

هر سال با فرا رسیدن اربعین حسینی، مدینه فاضله‌ای در مسیر نجف تا کربلا برپا می‌شود و میلیون‌ها زائر حسینی از سراسر جهان با پای پیاده این مسیر را می‌پیمایند تا خود را به سرزمین آسمانی کربلا برسانند و با یادآوری خاطره‌اندھبار کاروان اسیران کربلا و اعلام وفاداری به آرمان‌های الهی سرور و سالار شهیدان علیه السلام، بزرگ‌ترین همایش معنوی جهان را بیافرینند.

این حرکت عظیم معنوی، زوایای گوناگونی دارد که این مقاله با توجه به درس‌های استاد شیخ محمد سند به بررسی آنها پرداخته است. مواردی چون: «عبادت» بودن راه رفتن برای «عبادت»، دعای امام صادق علیه السلام برای زائر مرقد سیدالشهدا علیه السلام، اسوه بودن امام حسین علیه السلام در طول تاریخ، تجسم جامعه آرمانی در زیارت اربعین، ناتوانی قدرت‌های مادی در مهار این راهپیمایی معنوی، سرچشمه گرفتن محبت مؤمنان به امام مهدی (عج) از محبت و دوستی آنان به امام حسین علیه السلام و موارد فراوان دیگر.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، اربعین حسینی، کربلا، راهپیمایی معنوی، همایش جهانی.

مقدمه

هر سال با نزدیک شدن ایام اربعین حسینی، میلیون‌ها زائر سوگوار، اعم از مرد و زن، کوچک و بزرگ، شیعه و غیر شیعه، عرب و غیر عرب، عراقی و غیر عراقی و حتی مسلمان و غیر مسلمان از سراسر عراق، به ویژه از مبدأ نجف اشرف حرکت می‌کنند تا در روز اربعین، خود را به کربلای معلّاً برسانند و در آن سرزمین آسمانی، بزرگ‌ترین همایش معنوی جهان را در محضرِ قدسی سیدالشّهدا علیه السلام خلق کنند. آنها که بسیاری‌شان از ملیت‌ها و کشورهای مختلفند و از چهار سوی جهان، خود را به آن جا رسانده‌اند، این مسیر طولانی ده‌ها کیلومتری را عاشقانه و با پای پیاده طی می‌کنند. این راه‌پیمایی که هر سال بر گستره انسانی و عظمت آن افزوده می‌شود، گوهری دارد و صدفی. صدف آن، بزرگداشت خاطره اندوه‌بار بازگشت کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام از سرزمین شام به سرزمین کربلاست و گوهر آن، اعلام وفاداری به آرمان‌های الهی قیام آن امام مظلوم و پاسداشت خون او و یاران باوفای‌شان است.

حضور صمیمانه، رفتار مهربانانه، حسّ هم‌کاری و هم‌بستگی و نیز ظهور عواطف انسانی و معنوی شگفتی که در این چند روز از آن میلیون‌ها زائر نسبت به یکدیگر بروز می‌کند، این اجتماع بشری چند روزه را به یک مدینه فاضله و پدیده‌ای منحصر به فرد تبدیل کرده است.

راه رفتن به سوی عبادت نیز عبادت است

قاعده‌ای فقهی می‌گوید: راه رفتن به سوی عبادت نیز خود، عبادت است. در این باره روایاتی ویژه نیز دال بر آنند که طیّ طریق به سوی مرقد سید الشّهدا علیه السلام نیز مانند طیّ طریق به سوی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان است و برای زائر، در هر گامی، حج و عمره‌ای خواهد بود. از بشیر دَهَّان روایت شده که امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

«یا بشیر! إِنْ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيُغْتَسِلَ عَلَى شَاطِئِ الْفِرَاتِ ثُمَّ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا أَوْ يَضَعُهَا مِائَةَ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ مَعَهَا مِائَةُ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ الرَّسُولِ»؛^۲ ای بشیر! مطمئناً مردی از شما که بر ساحل فرات غسل می‌کند و سپس نزد قبر حسین علیه السلام می‌آید، در حالی که عارف به حقّ اوست و به همین سبب خداوند به او در مقابل هر گامی که برمی‌دارد یا بر زمین می‌گذارد، یکصد حجّ مقبول به او می‌دهد، در حالی که یکصد عمره مبرور و یکصد جهاد در رکاب پیامبری مرسل با دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا همراه آن است.

نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«ما عبد الله بشيء أشدّ من المشى و لا أفضل»؛^۳ خداوند به

هیچ عبادتی سخت‌تر و پرفضیلت‌تر از راه رفتن عبادت نشده است.

دعای امام صادق علیه السلام برای زائران قبر امام حسین علیه السلام

معاویة بن وهب می‌گوید: برای شرفیابی به محضر امام صادق علیه السلام کسب اجازه کردم. گفتند: داخل شو. من داخل شدم و دیدم که حضرت در مُصَلَّایِ خویش نشسته است.

راه رفتن به سوی عبادت نیز خود، عبادت است. در این باره روایاتی ویژه نیز دال بر آنند که طیّ طریق به سوی مرقد سید الشّهدا علیه السلام نیز مانند طیّ طریق به سوی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان است و برای زائر، در هر گامی، حج و عمره‌ای خواهد بود.

نشستم تا آن که نمازش را به پایان رساند و آن گاه شنیدم که در مناجات خود با پروردگارش چنین می گفت:

«ای کسی که تنها به ما کرامت بخشید و به ما وعده شفاعت داد و رسالت را بر دوش ما نهاد و ما را وارثان انبیا نمود و امت های پیشین را با ما ختم کرد و تنها ما را وصی قرار داد و علم گذشته و آینده را به ما عطا نمود و دل هایی از میان مردم را به ما معطوف ساخت! مرا مورد مغفرت خویش قرار ده و (نیز) برادرانم را و زائران قبر پدرم حسین صلوات الله علیهم را؛ همان کسانی که از سر نیکی به ما و به امید دستیابی به ثوابی که برای پیوندشان با ما، نزد خود قرار داده ای و برای آن که پیامبرت محمد ﷺ را مسرور کنند و برای این که امر ما را اطاعت کنند و دشمنان ما را خشمگین نمایند، اموالشان را انفاق نمودند و پیکرهای شان را گسیل (به سوی ما) داشتند. آنها با این (اقدام)، در پی خشنود ساختن تو بودند. پس با خوشنودی خود، از جانب ما به آنها پاداش عطا کن و شبانه روز، آنها را محافظت نما و به نیکوترین وجهی، جانشین آنها بر اهل و فرزندان شان - که بر جای گذاشته اند - باش و با آنها همراهی نما و از شرّ هر طغیانگر حق ستیز و (از شرّ) هر ضعیف و نیرومندی از میان خلیفت و (از) شرّ شیاطین انس و جن، کفایتشان کن و بهترین چیزی را به آنها عطا کن که به خاطر غربتشان از اوطان خود و به خاطر آنچه که ما را در آن بر فرزندان و اهل و بستگانشان مقدم داشته اند، بدان امید بسته اند.

خدایا! دشمنان ما به سبب خروج آنها (برای زیارت ما)، بر آنها عیب گرفتند، ولی این امر، آنها را از حرکت به سوی ما بازداشت تا خلاف نظر آنها علم کرده باشند. پس بر آن چهره هایی که آفتاب دگرگونشان کرده، رحم آور و بر آن گونه هایی که بر قبر پدرم اباعبدالله الحسین ﷺ، از این روی به آن روی می شوند، رحم آور و بر آن چشم هایی که از سر مهرورزی به ما اشک های شان جاری شد، رحم آور و بر آن دل هایی که برای ما بی تابی نمود و آتش گرفت، رحم آور و بر آن فریادی که بر مصیبت ما، بر آورده شد، رحم آور. خداوند! من آن بدن ها و جان ها را به تو می سپارم تا زمانی که آنها را در روز عطش، بر (کرانه) حوض (کوثر) سیراب کنی.»

راوی می گوید: امام پیوسته این دعا را در سجده اش می خواند. آن گاه که فارغ شد،



عرض کردم: فدایت شوم! اگر آنچه که از شما شنیدم در حق کسی باشد که خدای عزوجل را (هم) نشناخته باشد، به گمانم هرگز که آتش جهنم چیزی از او را طعمه خویش کند! به خدا سوگند، آرزو کردم که او را زیارت کرده بودم و حج به جا نیاورده بودم! در این لحظه حضرت به او فرمودند: تو چه قدر به این (آرزو) نزدیکی! چه چیزی تو را از زیارت او باز می‌دارد؟!^۴

و سپس فرمودند: ای معاویه! چرا آن را رها کرده ای؟! معاویه عرض کرد: فدایت شوم! نمی‌دانستم که این کار به این درجه از اهمیت باشد! حضرت فرمود: ای معاویه! کسانی که در آسمان برای زوار او دعا می‌کنند، بیشتر از آنهایی هستند که در زمین برای آنها دعا می‌کنند. تو این کار را به سبب ترس از احدی ترک مکن؛ زیرا کسی که این کار را ترک کند، چنان حسرت می‌خورد که آرزو می‌کند که مرگش در اختیار خودش می‌بود (تا به دنیا بازمی‌گشت و به زیارت او می‌رفت).^۴ آیا دوست نداری که خداوند جسم و سایهات را در میان کسانی ببیند که رسول خدا ﷺ برای آنها دعا می‌کند؟! آیا دوست نداری که فردا در میان کسانی باشی که فرشتگان با آنها مصافحه می‌کنند؟! آیا دوست نداری که فردا در میان کسانی باشی که در حالی (به صحرای محشر) می‌آیند که هیچ گناهی ندارند که به خاطر آن بازخواست شوند؟! آیا دوست نداری که فردا در میان کسانی باشی که با رسول خدا ﷺ مصافحه می‌کنند؟!^۵

حسین علیه السلام اسوه‌ای دیرینه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی عظیم در وصف فرزندش حسین علیه السلام می‌فرماید: «یا ابا عبد الله! أسوة أنت قدماً»^۶ یا ابا عبد الله! تو اسوه‌ای دیرینه‌ای. یعنی تو از زمان گذشته، اسوه و مقتدا بوده‌ای، حتی برای انبیا و رسولان، و این برای سیدالشهداء، منقبت و معجزه‌ای است. مقتدا بودن آن حضرت برای پسینیان برهانی امروزی دارد؛ چرا که ما اکنون شاهدیم که باب حسین علیه السلام و کشتی نجات او وسیع تر و فراخ تر است؛ در زمانه‌ای که جنگ و دشمنی جوامع بشری را ملتهب کرده است؛ جوامعی که از ستم اقتصادی ناشی از بحران‌های مالی و از ستم و تبعیض نژادی غیر انسانی در فغانند و در شرایطی که هیچ یک از رژیم‌های گذشته و حال که بر بنیان سوسیالیسم، سرمایه‌داری، کمونیسم و دموکراسی پدید آمدند، راه حلی

برای این بحران‌ها ارائه نکرده‌اند. درست در چنین عصر و شرایطی در سویی دیگر از جهان، هر سال اعلام بیعت و فرمان برداری داوطلبانه، مسالمت آمیز و فروتنانه‌ای را نسبت به مکتب و دولت سیدالشهدا (علیه السلام) مشاهده می‌کنیم؛ مکتب و دولت مقدسی که انسان‌های دور و نزدیک و عالم و غیر عالم از آن تأثیر پذیرفته‌اند؛ دولتی که مرزهای آن، نه جغرافیایی، بلکه نفوس آدمیان و بشریت است. دولتی که به دست سیدالشهدا (علیه السلام) استوار شده و با صلابت و شکوه تمام، جوامع را رهبری می‌کند.

سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می‌فرماید: «یا ابا عبدالله! تو اسوه‌ای دیرینه‌ای»، به این معنا نیز هست که تأثیرگزاری حسین (علیه السلام) به دوران پس از واقعه عاشورا محدود نمی‌شود؛ بلکه از پیش نیز چنین بوده است؛ چرا که انبیا و اوصیا نیز از جانب خداوند، از وجود او و حماسه‌اش باخبر بوده‌اند. راستی حسین (علیه السلام) چه کرد که برای ایشان نیز اسوه است؟!

پاسخ این است که خداوند عزوجل آنچه در واقعه عاشورا بر سیدالشهدا (علیه السلام) گذشت را برای انبیا و وحی می‌نمود و باز می‌گفت، تا شکیبایی و شدت استقامت در عقیده را بیاموزند^۲ و آن‌گاه که واقعه عاشورا را برایشان بیان می‌فرمود، آنها می‌گریستند و این برنامه‌ای تربیتی از ناحیه خداوند عزوجل برای انبیایش بود تا آنها را به سوی درجات عالیه رهنمون شود. بنابراین، زندگی سیدالشهدا (علیه السلام) و واقعه کربلا نسبت به انبیا، دیرینه لحاظ می‌شود.

حسین (علیه السلام)، قرآن مجسم

ترسیم واقعه عاشورا ترسیم چشم‌اندازی مرئی در مقابل آدمی است. چشم‌اندازی که آدمی در آن، امتحانات و عبرت‌های بزرگ می‌بیند و نیز می‌بیند که چگونه انسان‌هایی با اسباب مختلف و به سبب فتنه‌ها و نیروهای نفسانی گوناگون، سقوط کردند و در نقطه مقابل، چگونه انسان‌های دیگر موفق شدند و صعود کردند و تعالی یافتند.

این چشم‌انداز روحانی که در آن ده‌ها و بلکه صدها نمونه وجود دارد، همان مکتب تربیتی‌ای است که آدمی را به صورتی بسیار عمیق تربیت می‌کند و به همین دلیل آدمی پیوسته به این قرآن تجسم یافته در حادثه کربلا نیازمند است؛ چراکه در این قرآن تجسم یافته، آیات بسیاری است. هر حادثه‌ای که در کربلا رخ داده، آیه‌ای است و این ویژگی، تصادفی نیست؛ زیرا خداوند عزوجل امام را قرآن ناطق و بلکه قرآن عینیّت یافته قرار داده و

در نتیجه، هر آنچه که حول او می‌گردد، آیات و سوره‌های آنند. پس هنگامی که بخواهیم آن آیات و آن سُورِ قرآنی و بندهایی که در آن است را به صورتی مرئی و ملموس درک کنیم، باید بدانیم که آنها را در حوادث واقعه نینوا خواهیم یافت؛ حادثی که از مدینه آغاز شد و پس از عبور از مکه و کربلا و شام و سپس بازگشت کربلا، به مدینه منتهی شد. در این میان، راه‌پیمایی آرام و عمومی روز اربعین نیز مرور صفحاتی متعدد از آن آیات آن است که اگر برای مدتی طولانی در آن تدبّر کنیم، گنج‌هایی پایان‌ناپذیر در آن خواهیم یافت. البته بسیاری از ما این امر را تجربه کرده‌ایم که هر قدر در واقعه عاشورا تدبّر کنیم، باز عبرت‌های جدیدی در آن کشف می‌کنیم؛ همان‌گونه که این ویژگی در قرآن نیز وجود دارد.

در اوّلین اربعین حسینی، پس از سقوط نظام بعثی عراق و آزادی مردم برای اقامه عزای سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام، نخستین راهپیمایی میلیونی به سوی کربلا، معلاً و اجتماع در آن شهر مقدّس شکل گرفت. در آن زمان تمام شبکه‌های ماهواره‌ای جهان (برای انعکاس این حادثه عظیم) گرد آمدند؛ لکن آنها می‌پنداشتند که این تظاهرات آرام و این تجمع چندمیلیونی، حادثه‌ای سیاسی و صرفاً مرتبط با تشکیل رژیم جدید است و هیچ ارتباط وثیقی با مبانی اعتقادی این مردم ندارد؛ درست مانند آنچه در میتینگ‌های سیاسی متعارف رخ می‌دهد. ولی آنچه آنها در خلال سه روز مراسم اربعین گزارش و ثبت کردند، شخصیت امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا را در نگاه آنها به شخصیت و واقعه‌ای شگفت‌انگیز بدل کرد، تا جایی که به اعجاز و عظمت آن اعتراف نمودند.

ناظران بین‌المللی که به منابع مختلفی وابسته‌اند و این گردهمایی عظیم را رصد می‌کنند نیز معترفند که این زیارت چندمیلیونی، بزرگ‌ترین نهاد و بزرگ‌ترین اردوگاه برای تمرین دادن نیروهایی به منظور جانبازی و فداکاری است؛ چرا که هر دولت بزرگی که بخواهد مردمش را برای نبردی در مقابل دشمنان آماده کند، جز گروه بسیار اندکی را نمی‌تواند استخدام کند؛ آن هم با ابزار تشویق یا ارباب؛ در حالی که در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام میلیون‌ها انسان از همه جهان خود را به هر وسیله‌ای به کربلا می‌رسانند تا با سیدالشهدا علیه السلام و آرمان او تجدید عهد کنند. پس به جاست که از خود بپرسیم: ماهیت و منشأ این نیروی عظیم و شورانگیز چیست؟! و

زیارت اربعین، تجسّم یک مدینه فاضله

زیارت اربعین، تجسّم جامعه آرمانی و مدینه فاضله در برابر چشمان بشریت است. در یکی از تفسیرهای «مدینه فاضله» که از سوی حُکما و صاحب نظران علوم اجتماعی ارائه شده می خوانیم: مدینه فاضله، آن جامعه انسانی است که به حاکم و مرشد نیاز ندارد؛ چرا که گویا اعضای آن مدینه فاضله، به درجه‌ای از بلوغ عقلی و روحی و مدیریتی و علمی رسیده‌اند که بافت طبیعی تک‌تک آنها، خویش را مدیریت می‌کند و این در حقیقت همان غلبه عقل و نور بر غرایز نفسانی است؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

«... وَقَلْنَا اهْبُطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»^۸ و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و ای ابلیس!] در حالی که دشمن یکدیگرید [و تا ابد، بین شما آدمیان و ابلیسیان صلح و صفایی نخواهد بود، از این جایگاه] فرود آید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهره‌وری اندکی خواهد بود.

منشأ غرایز پستِ زمینی، همان حرص و طمع است و این همان است که قرآن کریم نیز آن را این‌گونه بیان می‌کند:

«... أَلَوْا أَنْتَجِعُلُ فِيهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۹ گفتند: آیا کسی را در آن می‌گماری که در آن تباهی می‌کند و خون‌ها می‌ریزد، در حالی که ما تو را با سپاس، به پاکی می‌ستاییم و تو را پاک می‌شمیریم؟! فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

پس هر زمان در جایی، عقل و نور و قلب، سر بردارند،

در اوّلین اربعین حسینی، پس از سقوط نظام بعثی عراق و آزادی مردم برای اقامه عزای سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نخستین راهپیمایی میلیونی به سوی کربلای معلا و اجتماع در آن شهر مقدّس شکل گرفت.

اگر مفاهیمی چون تکامل و همبستگی و اصولاً اگر تمام مفاهیم اخلاقی را، آن هم نه فقط در سطح فردی و خانوادگی، بلکه در سطح اجتماعی ملاحظه کنیم، خواهیم دید که همه آنها در مراسم زیارت امام حسین (علیه السلام) در موسم اربعین عینیّت می‌یابد.

آنجا بهشت و امن و امان خواهد بود. درست به همین دلیل، بیشتر حاکمان جبار و رژیم‌هایی که با مذهب اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی می‌کنند، از این گردهمایی حسینی در هراسند. این حقیقتی است که رسانه‌های بین‌المللی که این حادثه را زیر نظر دارند، به آن اشاره می‌کنند. بنابراین امکان ندارد که به زیارت اربعین همچون مناسک عبادی محض بنگریم. این سنت، به همان اندازه که عبادت است، جامعه‌ساز نیز هست؛ بینش نافذ به بار می‌آورد و به مثابه آینه‌ای پاک برای بشریت است.

آری، اگر مفاهیمی چون تکامل و همبستگی و اصولاً اگر تمام مفاهیم اخلاقی را، آن هم نه فقط در سطح فردی و خانوادگی، بلکه در سطح اجتماعی ملاحظه کنیم، خواهیم دید که همه آنها در مراسم زیارت امام حسین علیه‌السلام در موسم اربعین عینیت می‌یابد؛ فضایی که اگر در مقیاس جهانی تبلیغ شود و میان مردم جهان گسترش یابد، می‌تواند مشکلاتی مانند بحران‌های اقتصادی و امنیتی و اجتماعی را که بشریت را دچار رنج و آشفتگی کرده است، حل کند. آری، راه حل تمام این بحران‌ها در مکتب و منهاج حسین علیه‌السلام است.

البته تا زمانی که مؤمن در این اردوگاه که سرشار از فضای شعائر حسینی است، قرار دارد و در آن تنفس می‌کند، حیاتی متناسب با این جامعه نورانی فاصله خواهد داشت و پس از بازگشت به دیار خود، اگر یاد امام حسین علیه‌السلام به تدریج در ذهن او کمرنگ شود، باید بداند که هر چه از حسین علیه‌السلام دور می‌شود، از این نور و از این بهشت و کمال مطلوب دور می‌شود و از آن سو، به میزانی که بتواند ارمغان موسم اربعین، یعنی اقبال خویش به آن حضرت را در خود حفظ کند، به زندگی در این بهشت حسینی ادامه خواهد داد. در این باره از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است:

«من أقبل علينا قبلنا عليه و من أدبر عنا أدبرنا عنه»؛ کسی که به ما روی کند، به سویش روی می‌کنیم و کسی که به ما پشت کند، به او پشت می‌کنیم.

بنابراین به اندازه‌ای که مؤمنان به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام اقبال کنند، در صفا و نور زندگی می‌کنند و از ثمرات آن منتفع می‌شوند و توان آن را می‌یابند که جامعه انسانی بزرگ و متمدنی بسازند که بشریت نظیر آن را ندیده باشد. لذا میان رهبری سیدالشهداء و تأثیر او و تربیتش نسبت به بشر از یک سو و میان تمام تمدن‌ها و رژیم‌ها و مکاتب بشری و تمام

مصلحان بشری از سوی دیگر رقابتی در جریان است؛ البتّه رقابتی که نتیجه و سرانجام آن، از پیش معلوم است؛ زیرا هیچ مصلحی جز حسین علیه السلام نیست که برای او ممکن باشد نفوس را در مسیر تربیت قرار دهد؛ هر چند که آن مصلح، عالم و مؤمن باشد.

همایش عظیم اربعین در مهار کدام قدرت است؟

دست اندر کاران نظام بین الملل که این همایش عبادی - روحانی عظیم را زیر نظر دارند، از آن بیمناکند و منشأ این هراس، آن است که احساس کرده اند این پدیده در تصرف هیچ یک از منابع متعارف قدرت نیست؛ به بیان دیگر: آنها این حقیقت را دریافته اند که هیچ دولت بزرگی، حتّی دولت های اسلامی، این همایش عظیم را در تصرف ندارند. آن که این قدرت را در مهار خود دارد، نه قدرت های شناخته شده جهانی، بلکه فقط سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام است. به همین دلیل است که برخی از محافل غربی، مطالعه ویژه و پی گیری را درباره تأثیری عظیمی که خُطبا و مرثیه سرایان بر جوانان می گذارند، در رادیوها و پایگاه ها و از طریق اینترنت آغاز کرده اند.

در راه پیمایی اربعین، مردم از همه استان های عراق به راه می افتند تا خود را به صحن و سرای امام شهیدان حسین بن علی علیه السلام برسانند؛ به گونه ای که اغلب این استان ها خالی از سکنه می شود. راستی این جمعیت بی شمار را که در سرتاسر عراق پراکنده اند، چه کسی و چه قدرتی سازماندهی می کند و نظم می بخشد و آن را در کنترل دارد و پیش می برد؟! در کنترل دارد و پیش می برد!؟

در راه پیمایی اربعین، مردم از همه استان های عراق به راه می افتند تا خود را به صحن و سرای امام شهیدان حسین بن علی علیه السلام برسانند؛ به گونه ای که اغلب این استان ها خالی از سکنه می شود. راستی این جمعیت بی شمار را که در سرتاسر عراق پراکنده اند، چه کسی و چه قدرتی سازماندهی می کند و نظم می بخشد و آن را در کنترل دارد و پیش می برد؟! حقیقت این است که امروزه برای برگزاری هر تجمّع بشری که در

شهری برگزار می‌شود - حتی اگر در کشورهای غربی که به لحاظ صنعتی و تکنولوژیکی پیشرفته‌اند، مسئولان مربوطه، برای تأمین امنیت و پشتیبانی، چه هزینه‌هایی که نمی‌کنند! آیا آنان توان بسیج چنین جمعیتی را دارند؟ حتی دستگاه‌های دولتی از طریق فعال کردن نهادها و سازمان‌های حاکمیتی نیز قادر بر این کار نیستند، چه رسد به آن که این تجمع عظیم برای چند روز یا چند هفته در همه راه‌های شهرهای مختلف منتهی به شهری مانند کربلای حسینی علیه السلام پراکنده باشند.

در مراسم حج بیت‌الله گاه برای چند روز، آن هم در یک موقعیت جغرافیایی محدود، یعنی مکه مکرمه و مشاعر، شمار حاجیان به سه میلیون نفر می‌رسد. در این شرایط، علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار در ساخت بناهای مدرن و با وجود توسعه امکانات و اصلاح معضل ترافیک، کماکان مرگ و میرها و تلفاتی در این مراسم بر جای می‌ماند. با این اوصاف، تکلیف مهار و استیلای کامل بر راهپیمایی و همایشی همچون اربعین که در آن میلیون‌ها انسان در مسیرهای فراوان میان شهرها و بیابان‌ها و فواصلی که صدها کیلومتر برآورد می‌شود، روشن خواهد بود. واقعاً چگونه می‌توان نظم و انتظام و آرامش و شکوهی که در این واقعه پدید می‌آید را تماماً به دولت‌ها منتسب کرد؟! بلکه این نظم به صورت خودکار از ناحیه خود مؤمنان ایجاد می‌شود.

یکی از مقامات بلندپایه عراق اظهار نموده که مسئول نیروهای مسلح آمریکای در خاورمیانه که از طریق ماهواره به مدت دو هفته یا بیشتر، به صورت زنده، راهپیمایی حسینی را زیر نظر داشته، با حیرت گفته است: «اعتراف می‌کنم که شما شیعیان در مقایسه با رویدادهایی که در نیویورک یا پاریس رخ می‌دهد، متمدن‌ترید!». این در حالی است که در حوادثی مانند قطع برق برای مدتی اندک در برخی کشورهای پیشرفته غربی، حملات و سرقت‌های پی‌درپی، امنیت را مختل کرده است؛ ولی در زیارت اربعین، این‌گونه حوادث هیچ‌گاه رخ نداده و این امر، اتفاقی نیست؛ بلکه اعجاز تعالیم قرآنی اهل‌بیت علیهم السلام و نور تربیت آن بزرگواران است که اعجاز کرده است.

زیارت اربعین و رژیم بعثی سابق

اخبار رسیده و منابع متعدد، گویای آن است که رژیم عقلی سابق، چند ما پیش از سقوط، فیلمی مستند از این مراسم حسینی را برای اعضای رهبری حزب پخش نموده و سپس به پرس و جو از آنها پرداخته بود و آنها را اغوا کرده بود تا نظراتشان را درباره چگونگی سرکوب این آتشفشان حسینی به دست آورد. در مقابل، تمام آن اعضا که نگران شده بودند، از بیم خشم او نه نفیاً و نه اثباتاً پاسخی نداده بودند. با این حال، خود صدام به آنها این گونه پاسخ داده بود که این زلزله حسینی ابدآ آرام نخواهد شد؛ ولی من سال آینده چنین و چنان خواهم کرد و سپس شروع به تهدید می‌کند و قول می‌دهد که دست‌ها و پاها و گوش‌ها خواهد برید؛ لکن باید گفت:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱ بر آنند تا نور خداوند را با دهان‌هایشان خاموش کنند و خداوند کامل‌کننده نور خویش است، هر چند کافران نپسندند.

آنچه که بعثی‌های عقلی و حاکم جبار و فاسدشان و در ورای این رژیم، نهادهای بین‌المللی بسیاری که طراح این امورند را از خوف و هراس فلج کرده بود، این بود که آنها علی‌رغم ایجاد ترس و وحشت، نتوانسته بودند این نیروی شورنده حسینی را مهار کنند و تمرین مردم برای ایثار و حماسه در اردوگاه حسینی را متوقف کنند.

در این میان، اگر فضا برای مردمان دیگر و حتی مردم کشورهای غربی نیز باز می‌بود، با رهایی آنها از سیطره

مسئول نیروهای مسلح آمریکایی در خاورمیانه که از طریق ماهواره به مدت دو هفته یا بیشتر، به صورت زنده، راهپیمایی حسینی را زیر نظر داشته، با حیرت گفته است: «اعتراف می‌کنم که شما شیعیان در مقایسه با رویدادهایی که در نیویورک یا پاریس رخ می‌دهد، متمدن‌ترید!»

رژیم‌های‌شان، می‌دیدیم که چگونه آنها نیز به سوی حسین علیه السلام و آنچه ایشان فرموده است، جذب می‌شدند و در مقابلش فروتنی می‌کردند.

تنها بشریت نیست که در مقابل او خضوع می‌کند؛ بلکه فرشتگان نیز در برابر او خاضع و خاکسارند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست، جز این که از خدای عزوجل درخواست می‌کند که خداوند به آنها اجازه دهد تا قبر حسین علیه السلام را زیارت کنند و آن‌گاه گروهی فرود می‌آیند و گروهی عروج می‌کنند.»^{۱۱}

ناسازگاری لائسیسم جدید با زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از مدعیان لائسیسم جدید، موضوع راه‌پیمایی به سوی مرقد امام حسین علیه السلام در اربعین حسینی را محکوم کرده است؛ چراکه به ادعای وی، این کار سبب تعطیلی و توقّف روند زندگی بسیاری از مردم و شهروندان می‌شود. به نظر او تمدن انسانی بر مطالبات جسم و ماده استوار است، اما آنچه که به روح مربوط می‌شود، سهمی در تمدن و پیشرفت انسان‌ها ندارد. او دو هفته تعطیلی را برای این همایش روحانی زیاد می‌داند؛ همایشی که در آن، عادات اخلاقی و روحی، از حضيض خودخواهی، به اوج همیاری اجتماعی و ایثار برادران دینی بر خود و تعاون آرمانی تغییر می‌کند و این در حالی است که دولت‌های غربی، همه برای اعیاد مسیحی و عید تحویل سال میلادی، دو هفته یا بیشتر را تعطیل اعلام می‌کنند و در این مدت، غرق در فحشا و زشتی می‌شوند، ولی آن را زیاد نمی‌شمارند.

مگر نه این که خدای تعالی موسم حج بیت‌الله الحرام را برای سه ماه از سال تشریح نموده، اما این مراسم برای غالب حج‌گزاران مسلمان بیش از دو هفته طول نمی‌کشد؟! بالاتر این که، خداوند تعالی عمره مستحب را در تمام ماه‌ها تشریح فرمود تا مسلمانان پیوسته توفیق انجام مناسک آن را داشته باشند تا بیت‌الله الحرام یعنی کعبه‌اش در طول سال، محل اجتماع مردم باشد، و این همه برای آن است که توازن میان ماده و روح و بین دنیا و آخرت را حفظ کند؛ و بالاتر این که آبادانی دنیا جز با آبادی آخرت هیچ قوام نمی‌یابد؛ همانگونه که راه آخرت نیز از دنیا می‌گذرد. بنابراین، نابودی روح، نابودی ماده است؛ همان ماده‌ای که مادیون و لائیک‌ها بدان حرص می‌ورزند. فعالیت، کار و جدّیت تنها محدود به برنامه‌های دنیا و ماده نیست؛ چرا که روح و روان نیز برنامه‌ای و کاری و فعالیتی دارد. اگر چنین است، آیا توزیع زمان برای هر یک

از این دو جنبه، باید کُنندی حرکت تمدن و تعطیلی پیشرفت و خرابی تلقی شود؟! آیا او رشد و شکوفایی فضایل روحی در خلال دو هفته از مراسم اربعین را اسباب نابودی می‌داند؟! آری، البته که این امر اسباب نابودی خشونت، آزمندی غرایز حیوانی و اخلاق مادی است. آیا امثال این فرد نمی‌بینند که دولت‌ها چه حجمی از فرصت‌ها و منابع مالی را در بخش فرهنگ هزینه می‌کنند؟! آیا این امر نابود کننده جامعه است!؟

حقیقتاً کسی که در مجالس سوگواری اهل بیت (علیهم‌السلام) که رهبران فضیلت و انسانیت‌اند شرکت می‌کند، آمادگی روحی و حماسی ممتازی پیدا می‌کند و شجاعت و استواری‌اش صدچندان می‌شود. آیا مقاومت اسلامی پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) در جنوب لبنان در مقابل اسطوره اسرائیل که ارتش‌های تمام رژیم‌های عربی را در طول پنجاه سال به هزیمت کشانده بود، پیروز نشد؟! آیا آن پیروزی با شعار «یا حسین» و «یا أبا الفضل العباس» نبود؟! آیا نمی‌بینند که نیروی روحی مردم عراق در مبارزه با تروریسم و تکفیریان نیز منحصرأ به برکت شرکت در (اقامه) این شعائر بوده است؟! پس برای چه می‌خواهند که



این مردم، تمام این نیرو و عظمت را از کف بدهند؟! و چرا نیروی ایمانی این امت این گونه افراد را خشمگین می‌کند!؟

قیام مهدوی به برکت حماسه حسینی

قیام مهدوی، بدون حماسه حسینی نخواهد بود. به عبارت دیگر: محبت مؤمنین به امام مهدی (عج) از محبت و مودت آنها نسبت به جلدش امام حسین (علیه‌السلام) نشأت گرفته و مجاهده آنها در راه او و تاپای جان است، نه برعکس. این حقیقت در زیارت عاشورا نیز منعکس شده است؛ آنجا که در اشاره

یکی از مدعیان لائیسسم جدید، موضوع راه‌پیمایی به سوی مرقد امام حسین (علیه‌السلام) در اربعین حسینی را محکوم کرده است؛ چراکه به ادعای وی، این کار سبب تعطیلی و توقف روند زندگی بسیاری از مردم و شهروندان می‌شود! به نظر او تمدن انسانی بر مطالبات جسم و ماده استوار است، اما آنچه که به روح مربوط می‌شود، سهمی در تمدن و پیشرفت انسان‌ها ندارد.

به مراتب آن امامان بزرگوار می‌فرماید:

«و لسن الله أمة دفعتكم عن مقامكم و أزالتمكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها؛ و خداوند امتی را که شما را از جایگاهتان راند و از مراتبتان که خدا شما را در آن قرار داد از جایگاه‌های‌شان دور نمود، لعنت کند.

بنابراین ابتدا، اعتقاد مؤمن به خدا و به پیامبر ﷺ پدید می‌آید و در مرحله بعد، این اعتقاد، او را به یاری امام مهدی (عج) فرامی‌خواند. به همین صورت، ابتدا اعتقاد مؤمن به امیرالمؤمنین ﷺ تحقق می‌یابد و در مرحله بعد، این اعتقاد، او را به یاری امام مهدی ﷺ می‌خواند. اعتقاد مؤمن به امام حسین ﷺ، محبت به امام مهدی (عج) را برای او به ارمغان می‌آورد. پس باید بگوییم: قیام حضرت مهدی، به برکت حماسه حسینی برپا می‌شود و به عبارت دیگر باید گفت: ای مهدویون و ای عاشقان ظهور! بهترین راه یاری امام مهدی (عج) داشتن روحیه حماسه حسینی و زنده نگه داشتن شعائر دینی است و به همین دلیل است که نفس زیارت اربعین، اقدامی تربیتی در جهت آماده‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ . شیخ محمد السند، یکی از شخصیت‌های علمی حوزه علمیه قم و نجف اشرف است که در جلسه درس خویش، از زوایای مختلفی به تحلیل این رخداد معنوی عظیم پرداخته و بر زوایای مهم و بدیعی انگشت نهاده است. این دروس به همت آقای ابراهیم حسین البغدادی به نگارش درآمده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و ترجمه حاضر، نوعی تلخیص و بازنویسی از این اثر عاشورایی است.
- ۲ . ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۸۵،
- ۳ . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۷۸.
- ۴ . فقره اخیر ترجمه عبارت «یتمنی أن قبره کان بیده» است که به صورت‌های دیگری نیز ترجمه شده است.
- ۵ . کامل الزیارات، ص ۲۲۸؛ شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۱۲۰، حدیث ۴۴؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲، حدیث ۱۱.
- ۶ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۶۲، باب ۳۱، حدیث ۱۷.
- ۷ . همان، ص ۲۲۳، باب ۳۰، حدیث ۱.
- ۸ . بقره، آیه ۳۶.
- ۹ . بقره، آیه ۳۰.
- ۱۰ . صف، آیه ۸.
- ۱۱ . کامل الزیارات، ص ۲۲۳.